

بررسی راهبرد چندجانبه‌گرایی تجارت خارجی در ایران: مطالعه عضویت ایران در اتحادیه اقتصادی اوراسیا و سازمان همکاری شانگهای

احسان رسولی‌نژاد* و پریسا صبری**

شماره صفحه: ۳۶۱-۳۹۳	تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۵	تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۸/۱۹	نوع مقاله: پژوهشی
---------------------	------------------------	-------------------------	-------------------

امروزه الزام اجرای راهبرد چندجانبه‌گرایی و منطقه‌گرایی در بخش تجارت خارجی جزء اولویت‌های سیاست‌های اقتصادی کشورهای مختلف جهان است. ایران نیز با توجه به شرایط تحریم‌های اقتصادی از سوی اردوگاه غرب نیازمند برداشتن گام به سوی هم‌افزایی با سایر اقتصادهای جهان و استفاده بهینه از مزیت‌های تولیدات دیگر کشورهاست. هدف این مقاله بررسی مقایسه‌ای دقیق‌تر در حوزه راهبرد چندجانبه‌گرایی ایران در بخش تجارت خارجی با تمرکز بر اتحادیه اقتصادی اوراسیا و سازمان همکاری شانگهای است. از این رو برای انجام این پژوهش، از روش تحلیلی - توصیفی و روش تحلیل سلسله‌مراتبی استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد توسعه همکاری و تلاش برای پیوستن به اتحادیه اقتصادی اوراسیا برای ایران می‌بایست از ارجحیت بیشتری نسبت به سازمان همکاری شانگهای برخوردار باشد. در این راستا توجه به عوامل سیاسی و اقتصادی بیش از سایر عوامل باید مورد توجه خط‌مشی‌گذاران و مدیران کشور قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: راهبرد چندجانبه‌گرایی؛ منطقه‌گرایی؛ اتحادیه اقتصادی اوراسیا؛ سازمان همکاری شانگهای؛ تجارت خارجی

* استادیار گروه مطالعات روسیه، دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)؛

Email: e.rasoulizhad@ut.ac.ir

** دانشجوی کارشناسی ارشد گروه مطالعات روسیه، دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران؛

Email: parisa.sabri@ut.ac.ir

مقدمه

فرایند جهانی شدن که پس از جنگ جهانی دوم سرعت بیشتری یافته است، به دلیل ایجاد فرصت‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی از مهمترین عوامل رشد و توسعه جوامع مختلف در جهان به حساب می‌آید. موج نخست جهانی شدن بین سال‌های ۱۹۳۰-۱۸۷۰ میلادی، به معنای یافتن شرکای تجاری ناشناخته بود (Jacks, Meissner and Novy, 2010: 129). در حالی که موج دوم جهانی شدن (جهانی شدن نئولیبرالی (Murray, 2001: 138)) در حوزه اقتصاد پس از جنگ جهانی دوم و ایجاد نهادهای بین‌المللی همچون بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه (بانک جهانی در حال حاضر) و سازمان گات (سازمان تجارت جهانی در حال حاضر) به وقوع پیوست. جهانی شدن در بحث اقتصادی، بر ماهیت بی‌مرز بودن جریان‌های اقتصادی تأکید می‌ورزد. مهمترین بخش جهانی شدن اقتصاد در تجارت بین‌المللی است که در جهت تکمیل فرایند آن ظهور عواملی مانند چندجانبه‌گرایی و منطقه‌گرایی به چشم می‌خورد.

ایران به‌عنوان یکی از قدرت‌های منطقه خاورمیانه به یک سیاست خارجی فعال مبتنی بر ائتلاف‌ها و اتحادها نیازمند بوده و ازسوی دیگر نیز به توسعه اقتصادی و تمرکز بر رویکردهای همگرایانه منطقه‌ای نیاز دارد. در دهه‌های اخیر به دلیل عوامل برونزایی همچون تحریم‌ها، کاهش روند جهانی شدن ایران به وقوع پیوسته و ازاین‌رو ضرورت تمرکز بر توسعه تجارت خارجی با کشورهای دیگر به‌عنوان پیش‌زمینه جهانی شدن پررنگ‌تر شده است.

اتحادیه اقتصادی اوراسیا و سازمان همکاری شانگهای براساس معیارهای مختلف همچون شباهت سطح توسعه‌یافتگی، مرز جغرافیایی و ... در بحث تجارت خارجی ایران اهمیت ویژه‌ای دارد. اتحادیه اقتصادی اوراسیا (شامل پنج کشور روسیه، ارمنستان، بلاروس، قرقیزستان و قزاقستان)، نهادی اقتصادی در منطقه اوراسیای مرکزی (شمال کشور ایران) است که منظور از ایجاد و توسعه آن، هماهنگی و اتحاد دوباره کشورهای استقلال‌یافته از اتحاد جماهیر شوروی به لحاظ اقتصادی و سیاسی با یکدیگر است. هدف این اتحادیه ایجاد فضای واحد اقتصادی، توسعه بازار مشترک و دستیابی به حرکت

آزاد کالا، سرمایه، خدمات و مردم در بازار واحد کشورهای عضو، کاهش قیمت کالاها با کاهش هزینه‌های حمل‌ونقل مواد خام، ترویج رقابت سالم در بازار مشترک، سیاست‌های مشترک در کشاورزی، انرژی، فناوری و حمل‌ونقل عنوان شده است. گسترش روابط سیاسی ایران و روسیه (قدرت نخست سیاسی - اقتصادی در اتحادیه اقتصادی اوراسیا) در سال‌های اخیر باعث تمایل بیشتر دو کشور به برقراری و گسترش فعالیت‌های تجاری و اقتصادی شده است. در این چارچوب توافقات دوجانبه‌ای میان ایران و هر پنج کشور عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا منعقد شده است و همچنین در پی تحریم‌های غرب و اروپا علیه روسیه در سال ۲۰۱۴ میلادی، این کشور تمایل به فعالیت بیشتر ایران در اتحادیه اقتصادی اوراسیا نشان داده است. براساس داده‌های سایت Trademap حجم واردات ایران از اعضای اتحادیه اقتصادی اوراسیا طی سال‌های ۲۰۰۱ الی ۲۰۱۸ میلادی رشد کرده است. براساس جدول ۱، حجم واردات ایران از اعضای اتحادیه اقتصادی اوراسیا از حدود ۱۱۵۴ میلیون دلار در سال ۲۰۰۱ به رقم ۱۴۸۷ میلیون دلار در سال ۲۰۱۸ رسیده است. هرچند این روند در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۵ کاهش داشته، اما در مجموع روندی، افزایشی بوده است.

جدول ۱. حجم واردات ایران از اعضای اتحادیه اقتصادی اوراسیا، ۲۰۰۱-۲۰۱۸ میلادی (هزار دلار)

کشور	۲۰۰۱	۲۰۱۰	۲۰۱۵	۲۰۱۸
ارمنستان	۳۸۱۹۴	۴۰۱۳۶	۱۳۲۷۶	۲۲۲۸۱
بلاروس	۲۵۲۸۲	۴۹۷۹۲	۲۴۹۷۱	۲۳۹۴۳
قزاقستان	۲۷۰۰۳۹	۱۲۳۹۵۵	۱۰۶۲۳۷	۸۷۰۶۸
قرقیزستان	۱۴۸۹۳	۱۲۱۴۲	۱۷۴۵	۱۱۳۷۵
روسیه	۸۰۵۶۹۴	۴۳۲۹۰۱	۵۷۶۵۵۲	۱۳۴۲۶۵۴
جمع کل	۱۱۵۴۱۰۲	۶۵۸۹۲۶	۷۲۲۷۸۱	۱۴۸۷۳۲۱

مأخذ: یافته‌های تحقیق از سایت Trademap.

طبق داده‌های گردآوری شده از سایت Trademap، حجم صادرات ایران به کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا رشد مثبتی در دوره زمانی ۲۰۱۸-۲۰۰۱ داشته و از رقم ۱۶۵ میلیون دلار در سال ۲۰۰۱ به رقم ۴۳۹ میلیون دلار در سال ۲۰۱۵ و سپس به بیش از ۶۰۷ میلیون دلار در سال ۲۰۱۸ رسیده است.

جدول ۲. حجم صادرات ایران به اعضای اتحادیه اقتصادی اوراسیا، ۲۰۱۸-۲۰۰۱ میلادی

(هزار دلار)

کشور	۲۰۰۱	۲۰۱۰	۲۰۱۵	۲۰۱۸
ارمنستان	۵۶۹۶۵	۱۱۳۰۳۳	۱۰۲۱۱۰	۱۵۸۹۹۰
بلاروس	۱۶۰	۵۹۹۵	۴۰۲۲	۲۷۶۲
قزاقستان	۳۱۶۴۵	۶۸۵۰۰	۱۳۷۸۶۴	۱۳۱۴۰۳
قرقیزستان	۱۶۴۴۸	۴۰۱۸۵	۲۲۰۵۰	۳۳۷۳۹
روسیه	۶۰۱۶۱	۳۳۰۵۷۶	۱۷۳۱۴۹	۲۸۰۵۱۷
جمع کل	۱۶۵۳۷۹	۵۵۸۲۸۹	۴۳۹۱۹۵	۶۰۷۴۱۱

مأخذ: همان.

زمینه شکل‌گیری سازمان همکاری شانگهای به سال ۱۹۸۹ و سفر گورباچف (آخرین رهبر اتحاد جماهیر شوروی) به چین بازمی‌گردد؛ زمانی که مذاکراتی در سطوح مقامات عالی برای حل و فصل اختلاف‌های مرزی میان دو کشور انجام شد. با فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱ و تقسیم قلمروی آن به چندین کشور مستقل، اختلاف‌های مرزی میان کشورهای منطقه با چین همچنان به قوت خود باقی مانده بود تا در ۲۶ آپریل سال ۱۹۹۶ پنج کشور هم‌مرز روسیه، چین، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان در شهر شانگهای گرد هم آمدند و گروه موسوم به شانگهای ۵ را با هدف

حل اختلاف‌های مرزی و منطقه‌ای، تقویت اعتماد متقابل و خلع سلاح در مرزهای خود و ایجاد کمربند حسن هم‌جواری مرزی تأسیس کردند (بزرگی و حسینی، ۱۳۸۹). در حال حاضر این سازمان ۱۰ عضو شامل هشت عضو دائم روسیه، چین، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ازبکستان، هند و پاکستان و چهار عضو ناظر مغولستان، ایران، بلاروس و افغانستان دارد. طبق جدول ۳، حجم واردات ایران از اعضای این سازمان از رقم بیش از ۲۳۹۱ میلیون دلار در سال ۲۰۰۱ به بیش از ۱۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۸ رسیده است. این در حالی است که حجم صادرات ایران به اعضای این سازمان نیز طی سال‌های ۲۰۰۱ الی ۲۰۱۸ رشد زیادی داشته است؛ به‌گونه‌ای که ایران به اعضای سازمان همکاری شانگهای صادراتی به مبلغ بیش از ۶۵۹ میلیون دلار در سال ۲۰۰۱ و ۱۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۸ داشته است.

جدول ۳. حجم واردات ایران از اعضای سازمان همکاری شانگهای، ۲۰۰۱-۲۰۱۸ میلادی

(هزار دلار)

کشور	۲۰۰۱	۲۰۱۰	۲۰۱۵	۲۰۱۸
هند	۴۷۰۰۰۵	۱۲۷۰۵۹۱	۲۲۹۴۶۲۴	۲۶۵۰۲۰۰
چین	۷۱۹۸۷۰	۵۷۸۸۳۱۶	۱۰۴۷۳۰۹۱	۱۰۲۴۸۵۶۲
قزاقستان	۲۷۰۰۳۹	۱۲۳۹۵۵	۱۰۶۲۳۷	۸۷۰۶۸
قرقیزستان	۱۴۸۹۳	۱۲۱۴۲	۱۷۴۵	۱۱۳۷۵
روسیه	۸۰۵۶۹۴	۴۳۲۹۰۱	۵۷۶۵۵۲	۱۳۴۲۶۵۴
پاکستان	۵۸۴۶۷	۳۸۱۸۲۶	۲۲۵۸۸۶	۳۳۰۲۳۷
تاجیکستان	۱۲۱۵	۲۸۷۳۴	۲۳۱۸۷	۲۶۰۹۷
ازبکستان	۵۱۱۸۹	۹۶۶۲۲	۴۴۳۶۵	۴۶۹۹۹
جمع کل	۲۳۹۱۳۷۲	۸۱۳۵۰۸۷	۱۳۷۴۵۶۸۷	۱۴۷۴۳۱۹۲

مأخذ: همان.

جدول ۴. حجم صادرات ایران به اعضای سازمان همکاری شانگهای، ۲۰۰۱-۲۰۱۸ میلادی (هزار دلار)

کشور	۲۰۰۱	۲۰۱۰	۲۰۱۵	۲۰۱۸
هند	۱۸۰۱۵۸	۱۸۲۱۶۹۸	۲۴۹۷۱۸۵	۲۰۴۲۹۲۲
چین	۱۷۳۹۷۵	۴۵۷۰۹۶۶	۷۲۳۰۳۸۵	۹۲۱۷۷۰۲
قزاقستان	۳۱۶۴۵	۶۸۵۰۰	۱۳۷۸۶۴	۱۳۱۴۰۳
قرقیزستان	۱۶۴۴۸	۴۰۱۸۵	۲۲۰۵۰	۳۳۷۳۹
روسیه	۶۰۱۶۱	۳۳۰۵۷۶	۱۷۳۱۴۹	۲۸۰۵۱۰
پاکستان	۷۹۵۱۶	۵۵۰۹۲۴	۶۳۹۱۳۵	۱۲۴۷۲۳۴
تاجیکستان	۳۵۸۸۸	۱۸۹۸۹۸	۱۵۱۱۹۸	۷۸۳۱۵
ازبکستان	۸۱۶۸۳	۶۷۴۷۴	۲۳۷۵۶۲	۱۴۰۹۵۰
جمع کل	۶۵۹۴۷۴	۷۶۴۰۲۲۱	۱۱۰۸۸۵۲۸	۱۳۱۷۲۷۷۵

مأخذ: همان.

به طور کلی ایران می تواند با عضویت در این دو نهاد اقتصادی؛ همگرایی منطقه ای خود را افزایش داده و در نتیجه از آثار منفی تحریم های اقتصادی غرب علیه خود بکاهد. پرداختن به اولویت بندی چندجانبه گرایی در تجارت خارجی کشورمان با تمرکز بر اتحادیه اقتصادی اوراسیا و سازمان همکاری شانگهای نیاز به ساختار تحقیق مناسبی دارد. به رغم توجه مطالعات انجام شده ای همچون حاجی یوسفی و الوند (۱۳۸۷)، بزرگی و حسینی (۱۳۸۹)، میرفخرایی (۱۳۹۴) و کوشکی و حسینی (۱۳۹۶) به مسئله پیوستن ایران به نهادهای اقتصادی منطقه ای؛ نویسندگان مقاله حاضر تحقیقی پیرامون اولویت بندی پیوستن به دو نهاد اتحادیه اقتصادی اوراسیا و سازمان همکاری شانگهای نیافتند. بنابراین مقاله حاضر از لحاظ نوآوری، یافته های قابل استفاده ای برای محققان و خط مشی گذاران تجارت خارجی ایران خواهد داشت. چرا که سازمان همکاری شانگهای با ریشه امنیتی و اتحادیه اقتصادی اوراسیا با رویکردی اقتصادی به عضویت اعضا توجه دارند. از این رو ایران می بایست با وجود قیود و محدودیت های مشخص، تمرکز و اراده خود را برای پیوستن زودتر به یکی از این دو

نهاد به کار گیرد. این تحقیق سعی می‌کند تا با استفاده از نظر خبرگان و صاحب نظران، این محدودیت‌ها و عوامل را رتبه‌بندی و در انتها پیوستن ایران به یکی از این دو نهاد منطقه‌ای را اولویت بندی کند.

بر این اساس ساختار مقاله در ادامه به این صورت خواهد بود که بعد از مقدمه به مبانی نظری خواهیم پرداخت. سپس پیشینه تحقیق ارائه می‌شود و در ادامه روش‌شناسی و یافته‌های مقاله مورد بحث قرار خواهند گرفت و در نهایت جمع‌بندی و نتیجه‌گیری تحقیق بیان خواهد شد.

۱. مبانی نظری

منطقه‌گرایی به همراه چندجانبه‌گرایی و یک‌جانبه‌گرایی یکی از سه نظام تجاری بین‌المللی را تشکیل می‌دهد. منطقه‌گرایی در سیاست بین‌الملل به گسترش قابل ملاحظه همکاری‌های سیاسی و اقتصادی میان دولت‌ها و سایر بازیگران در نواحی جغرافیایی خاصی اشاره دارد. در اصل منطقه به صورت ترکیبی از نزدیکی جغرافیایی، درجه بالای تعاملات، چارچوب‌های نهادی و هویت‌های فرهنگی مشترک تعریف می‌شود (Aggarwal and Fogarty, 2006: 2).

امروزه در بحث‌های مربوط به منطقه‌گرایی با دو واژه منطقه‌گرایی جدید و منطقه‌گرایی قدیم روبه‌رو هستیم. منطقه‌گرایی قدیم در چارچوب شرایط دوقطبی دوران جنگ سرد شکل گرفت و از بالا به وسیله ابرقدرت‌ها هدایت می‌شد و از نظر اهداف کاملاً منحصر به فرد بود؛ یعنی مفهوم منطقه‌گرایی یا امنیتی بود یا اقتصادی و یک منظومه چندوجهی را در بر نمی‌گرفت در حالی که منطقه‌گرایی جدید یک فرایند جامع و چندبعدی است که نه تنها شامل توسعه تجارت و اقتصاد است، بلکه مسائل زیست‌محیطی، اجتماعی و امنیتی را نیز در بر می‌گیرد (Collins, 2010).

بر اساس نظر گودرزی منطقه‌گرایی جدید در چهار بُعد کارگزاری، انگیزه، جهت و گستره از منطقه‌گرایی قدیم متفاوت و متمایز است (۱۳۹۳: ۳۳۸). از نظر کارگزاری و نقش کارگزاران، برخلاف منطقه‌گرایی قدیم که بر نقش دولت‌ها در ساختارها و سازه‌های منطقه‌ای تمرکز می‌کند، منطقه‌گرایی نوین ناشی از نقش‌آفرینی طیف گسترده‌ای از بازیگران دولتی، فردی و اجتماعی در درون و برون منطقه است. از نظر انگیزه و هدف نیز منطقه‌گرایی نوین

تک بعدی و دارای یک متغیر نیست. منطقه‌گرایی نوین یک نوع همگرایی چندبعدی و چندوجهی است که شامل ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی می‌شود و هدفی بسیار فراتر از ایجاد نظام‌های تجارت آزاد و اختلاف‌های نظامی - امنیتی منطقه‌ای دارد. جهت و خط سیر منطقه‌گرایی جدید نیز از منطقه‌گرایی قدیم متفاوت است. منطقه‌گرایی نوین - برخلاف منطقه‌گرایی قدیم - از بالا به وسیله دولت‌ها یا ابرقدرت‌ها تحمیل نشده است و از ضرورت‌های تغییرناپذیر و جبری ساختاری پیروی نمی‌کند. مناطق به صورت خودجوش به وسیله کنش انسانی و رویه‌ها و کردارهای انسانی در شرایط بازتعریف منافع و فرایندها ساخته می‌شوند. گستره و قلمروی منطقه‌گرایی جدید نیز گسترش یافته است، به طوری که منطقه‌گرایی و همگرایی منطقه‌ای، از تجربه همگرایی اروپا بسیار فراتر رفته و به صورت یک پدیده عمومی و جهان شمول درآمد است. بنابراین نظریه‌های منطقه‌گرایی باید تحول یابند تا این پدیده فراگیر را توضیح دهند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۱۱۰).

افزون بر این موارد، منطقه‌گرایی جدید می‌تواند سه ویژگی را نیز دربرداشته باشد: الف) منطقه‌گرایی جدید مستقل است. یعنی در تأثیر فضای جنگ سرد شکل نگرفته است، ب) هم از نظر دستور کار و هم از نظر پذیرش اعضای جدید باز است. بدین معنا که موضوع‌ها و مسائل مختلفی (اقتصادی، سیاسی، امنیتی و ...) می‌تواند در دستور کار این منطقه‌گرایی باشد و در همان حال هر عضوی که اساسنامه سازمان‌های منطقه‌ای جدید را ببیند، می‌تواند به عضویت آن درآید. ج) منطقه‌گرایی جدید وسیع‌القاعده است. یعنی اینکه به منطقه جغرافیایی خاصی محدود نمی‌شود، بلکه کشورهای مختلف برحسب ضرورت موضوعی می‌توانند به عضویت آن درآیند (شفیعی، ۱۳۸۵: ۵۰).

برخی از صاحب‌نظران، نظریه‌هایی پیرامون همراستا بودن یا ضدیت منطقه‌گرایی با جهانی شدن ارائه داده‌اند. دسته اول بر این باورند که منطقه‌گرایی محرک اصلی کشورها برای رسیدن به هدف جهانی شدن هستند. می‌تلمان منطقه‌گرایی را بخشی از جهانی شدن می‌داند و بر این عقیده است که جهانی شدن بدون منطقه‌گرایی ممکن نیست (Mittelman, 1996: 189). در مقابل این دیدگاه برخی از صاحب‌نظران بر این باورند که منطقه‌گرایی، جهانی شدن یک کشور را به چالش می‌کشاند. چرا که در جریان

آزاد سرمایه، کالا و خدمات، و نیروی کار در فرایند جهانی شدن، ایجاد بلوک‌های تجاری در منطقه و رفتار تبعیض‌آمیز با کشورهای غیربلوک، واکنشی منفی به جهانی شدن است. از مهمترین تحلیلگران موافق این رویکرد، جیلبرتو و مومن^۱ (۱۹۹۸) هستند که معتقدند منطقه‌گرایی، مخالف یکسان‌سازی منافع در اقتصاد جهانی است.

۲. پیشینه پژوهش

پژوهشگران و صاحب‌نظران مختلفی به بررسی مفهوم چندجانبه‌گرایی و منطقه‌گرایی پرداخته‌اند که می‌توان آنها را به دو گروه تقسیم کرد: گروه اول مطالعاتی هستند که به پژوهش درباره مفهوم کلی چندجانبه‌گرایی و منطقه‌گرایی پرداخته‌اند و گروه دوم مطالعاتی است که به مفهوم چندجانبه‌گرایی و منطقه‌گرایی میان ایران و کشورهای مختلف توجه داشته‌اند. پورا احمدی (۱۳۸۷) در مقاله خود قید می‌کند در چارچوب نگرش و مفهوم‌سازی ترکیبی و چندبعدی از قدرت هژمونیک در معنای دولت مشروع، می‌توان گفت زمانی مشروعیت قدرت هژمونیک متبلور می‌شود که تصمیم‌گیری‌های مهم در رابطه با اهداف، منافع و ارزش‌های همگانی از سوی دولت هژمونیک و سایر دولت‌های عضو نظام اقتصاد سیاسی بین‌الملل لیبرال، متکی بر اصل چندجانبه‌گرایی باشد. کمالی اردکانی (۱۳۸۷) در پژوهش خود با نام «فرصت‌ها و چالش‌های تعامل منطقه‌گرایی و چندجانبه‌گرایی» به این موضوع پرداخته که عضویت در یک موافقتنامه تجاری منطقه‌ای افزایش رفاه اعضای آن را تضمین نمی‌کند. همچنین ایجاد چنین موافقتنامه‌ای ممکن است رفاه کشورهای غیرعضو را به دلیل انحراف تجارت و آثار آن در مبادله تحت تأثیر قرار دهد. علاوه بر آن برخی از موافقتنامه‌های تجاری - منطقه‌ای در تضاد با مقررات سازمان جهانی است که خود می‌تواند عامل چالش در تجارت خارجی کشورهای عضو موافقتنامه‌های تجاری - منطقه‌ای و سازمان تجارت جهانی شود. موسوی (۱۳۸۸) در مقاله خود با عنوان «جهانی شدن و منطقه‌گرایی: انفکاک یا همگرایی؟» بر آن است تا نشان دهد منطقه‌گرایی نوین

به‌رغم افت‌وخیزهای آن نه تنها مانعی در مسیر جهانی شدن نیست، بلکه از یک سو نقشه راه برای ورود به فرایندهای جهانی شدن است و از سوی دیگر سازوکاری اساسی جهت هدایت و تسریع روند جهانی شدن. داستانکو^۱ (۲۰۱۷) در مقاله خود از چندجانبه‌گرایی به‌عنوان یک روش نظری و ابزار سیاست خارجی یاد می‌کند. او همچنین از یک طرف به بررسی تأثیر چندجانبه‌گرایی بر سازمان‌های بین‌المللی و شناسایی عوامل مؤثر بر عضویت یک دولت در دیگر سازمان‌ها پرداخته و از طرفی دیگر به توضیح تأثیر سازمان‌های بین‌المللی بر عملکرد بنگاه‌های ملی می‌پردازد. منزفیلد و سولینگن^۲ (۲۰۱۰) در تحقیقی با عنوان منطقه‌گرایی به آنالیز تحقیقات اخیر در مورد منطقه‌گرایی پرداختند. آنها ابتدا با مطالعه تحقیقات مختلف بر این موضوع تمرکز کردند که دیگر پژوهشگران چگونه منطقه و منطقه‌گرایی را تفسیر کرده‌اند. آنها به این نتیجه رسیدند که عوامل اقتصادی به تنهایی نمی‌توانند پاسخگوی دلایل و عوامل منطقه‌گرایی باشند و در نظر گرفتن و بررسی عوامل سیاسی نیز الزامی و ضروری است. سیرنف (۲۰۱۲)^۳ نیز در مقاله خود ابتدا به بررسی اصول ابتدایی مفهوم نظریه‌های منطقه و منطقه‌گرایی می‌پردازد و سپس به ارائه تفسیر اصلی منطقه‌گرایی در علم سیاست خارجی برای آزمودن مسائل نظری پرداخته است.

گروه دوم شامل مطالعاتی است که به مفهوم چندجانبه‌گرایی و منطقه‌گرایی میان ایران با کشورهای مختلف توجه کرده‌اند. برای مثال محمودی‌کیا (۱۳۹۷) در تحقیق خود با عنوان «منطق و جهان‌نگرش سیاست خارجی دولت روحانی» عنوان می‌کند ایران کشوری در حال توسعه است که تحت تأثیر عوامل مختلفی مانند حذف تحریم‌های بین‌المللی، اصلاح تعاملات با قدرت‌های مؤثر بین‌المللی، بهبود روابط با کشورهای همسایه و تلاش برای همگرایی میان کشورهای اسلامی از طریق تعامل سازنده با جهان؛ درصد تصحیح چهره جهانی خود برآمده است. همین امر بی‌ثمر بودن تلاش اتحادیه اروپا در جهت تبدیل شدن به بازیگر قدرتمند جهانی و تأثیرگذاری بر رفتار دولت‌ها را آشکار می‌کند و اذعان کرونبرگ در

1. Dastanko

2. Mansfield and Solingen

3. Tsyrenov

کتابی با عنوان چندجانبه‌گرایی هسته‌ای و ایران را نقض می‌کند. ظریف در بخشی از مقاله خود با عنوان «سیاست خارجی ایران در عصر روحانی» بیان می‌کند؛ چندجانبه‌گرایی به معنای جستجوی جمعی برای یافتن راه حل‌های مشترک برای مشکلات مشترک، مطلوبیت و اثربخشی عملی خود را در هر دو سطح منطقه‌ای و بین‌المللی به اثبات رسانده است. حتی قدرت‌های عمده جهانی نیز هرچند با اکراه، فراگرفته‌اند که دیگر نمی‌توانند منافع خود را به طور یک‌جانبه تعقیب کنند یا به اهداف خاص خود نائل شوند. روند تدریجی اما فزاینده ائتلاف‌سازی در هر دو سطح منطقه‌ای و جهانی، چه برای مقاصد کوتاه‌مدت و یا تلاش‌های ماندگارتر شاهد گریزناپذیری اقدام جمعی است. همکاری ارادی به‌عنوان الگوی کاری جدیدی از تعامل بین دولت‌ها به تدریج ظهور یافته و جایگزین الگوی رویارویی، تسلیم بی‌قید و شرط و یا رقابت دائم شده است که زمانی در گذشته غالبیت داشت و اکنون بی‌اعتبار شده است (Zarif, 2014). سلیمان پور و دامن‌پاک جامی (۱۳۸۸) در تحقیقی به بررسی نقش چندجانبه‌گرایی و ترتیب‌های تجاری منطقه‌ای در پیشبرد دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران پرداخته‌اند. براساس نتایج تحقیق ایران برای دستیابی به بازارهای صادراتی جهان و افزایش سهم از این بازارها به نسبت جمعیت و توان اقتصادی خود، باید ایجاد فضای مناسب برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی و پیگیری عضویت در سازمان تجارت جهانی را محور اصلی این تعامل قرار دهد. در کنار توسعه روابط اقتصادی دوجانبه، یکی از مهمترین گزینه‌های پیشروی ایران برای بسط تجارت و تعامل سازنده با اقتصاد جهانی؛ عضویت در ترتیب‌های تجاری منطقه‌ای و روی آوردن به چندجانبه‌گرایی است. فاطمی‌نژاد و هاشمی (۱۳۹۵) در تحقیق خود با عنوان «منطقه‌گرایی ایران و آسیای مرکزی در پرتو جهانی شدن: طرحی برای جامعه بین‌الملل منطقه‌ای» نشان می‌دهند که با توجه به روابط فرهنگی ایران و جمهوری‌های تازه استقلال یافته که ریشه در تاریخ کهن این کشورها دارد و همچنین افزایش روابط کارکردی ایران و پنج کشور آسیای مرکزی پس از استقلال این جمهوری‌ها می‌توان نتیجه‌گیری کرد که ایران و جمهوری‌های آسیای مرکزی توانایی بالقوه لازم برای تشکیل جامعه بین‌الملل منطقه‌ای را دارند. هرتسیگ (۱۳۸۳) در تحقیق خود با عنوان «منطقه‌گرایی، ایران و آسیای مرکزی» بر این نکته تأکید کرده است

که جمهوری اسلامی ایران بعد از دوره‌ای انکار و طرد سازمان‌های بین‌المللی دریافت که این سازمان‌ها اولاً می‌توانند ابزاری برای حفاظت از امنیت و حقوق کشور باشند، ثانیاً به خروج ایران از انزوا کمک کنند و ثالثاً در مقابل خطرات تک‌قطبی شدن جهان از جمهوری اسلامی ایران حمایت و حراست کنند. برزگر (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «منطقه‌گرایی در سیاست خارجی ایران» بیان می‌کند جمهوری اسلامی ایران با بازتعریف مؤلفه‌های قدرت ملی خود در سطح منطقه‌ای می‌تواند به حل معضلات استراتژیک سیاسی - امنیتی با قدرت‌های فرامنطقه‌ای از جمله آمریکا بپردازد و از آن طریق روند تثبیت فرصت‌های اقتصادی و توسعه پایدار را به جریان بیندازد. دهشیری و رضایی جعفری (۱۳۹۳) در پژوهش خود با عنوان «نومنته‌گرایی در سیاست خارجی ایران» به تبیین تعاملات میان منطقه‌ای در عصر جهانی شدن به عنوان زمینه‌ساز تقویت و ارتقای رویکرد نومنته‌گرا در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پرداخته‌اند و منطقه‌گرایی موفق را پیش‌شرطی برای اتخاذ سیاست نومنته‌گرا می‌دانند. مصلی‌نژاد (۱۳۹۳) در مقاله خود با عنوان «چندجانبه‌گرایی نامتوازن در سیاستگذاری تحریم اقتصادی ایران» متذکر می‌شود روند اعمال محدودیت و کاهش برخی از تحریم‌ها نشان می‌دهد آمریکا، اتحادیه اروپا و روسیه از راهبرد چندجانبه‌گرایی نامتوازن در برخورد با ایران بهره‌گرفته‌اند. یورتایف^۱ (۲۰۰۹) نیز در مطالعات خود به بررسی سیاست خارجی معاصر جمهوری اسلامی ایران در بحث مناسبات منطقه‌ای پرداخته و سناریوهای ممکن و قابل پیش‌بینی را برای ایران بازگو می‌کند. گودرزی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با نام «جهانی شدن و منطقه‌گرایی: تعامل یا تقابل (مطالعه موردی سازمان همکاری شانگهای)» در پاسخ به این سؤال که آیا سازمان همکاری شانگهای را می‌توان یکی از نموده‌های منطقه‌گرایی در نظر گرفت؟ بیان می‌کند با توجه به اینکه در اولین نشست این سازمان همه اعضا اعلام کردند که هدف از تأسیس تضمین امنیت در منطقه آسیای مرکزی، حمایت از روند حرکت به سمت نظام چندقطبی و مردم‌سالار کردن نظام بین‌الملل است، سازمان

1. Yourtaev

شانگهای به‌عنوان یکی از نموده‌های منطقه‌گرایی نوین موازی با امر جهانی شدن رو به پیشرفت است.

بررسی ادبیات موضوع نشان می‌دهد که بررسی ضعف و قوت، تهدید و فرصت پیوستن ایران به نهادهای اقتصادی منطقه‌ای همچون اتحادیه اقتصادی اوراسیا و سازمان همکاری شانگهای و اولویت‌بندی پیوستن به این دو نهاد اقتصادی مغفول مانده است. از این رو مقاله حاضر سعی در بررسی این قسمت مغفول مانده در مطالعات چندجانبه‌گرایی خواهد داشت.

۳. روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش به‌منظور شناسایی اولویت عضویت ایران در اتحادیه اقتصادی اوراسیا و سازمان همکاری شانگهای از روش آنالیز نظر خبرگان با عنوان تحلیل سلسله‌مراتبی^۱ استفاده شده است. از این رو ابتدا با استفاده از روش کتابخانه‌ای و مصاحبه، عوامل مؤثر بر انتخاب عضویت در نهادهای اقتصادی منطقه‌ای استخراج می‌شود و سپس برای مقایسه و اولویت‌بندی پیوستن به این دو نهاد اقتصادی، از روش تحلیل سلسله‌مراتبی و تحلیل نظر خبرگان امر (۱۰ نفر از اساتید و دانشجویان دانشکده مطالعات جهان که صاحب حداقل یک اثر علمی منتشر شده در حوزه همگرایی اقتصادی ایران، اتحادیه اقتصادی اوراسیا و سازمان همکاری شانگهای هستند) در نرم‌افزار Expert Choice 10 استفاده خواهد شد. گفتنی است روش فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی توسط توماس ساعتی در دهه ۱۹۷۰ میلادی معرفی شد. هسته اصلی انجام این روش، طراحی درخت سلسله‌مراتبی است که آرمان (هدف)، گروه، معیارها و آلترناتیوهای تصمیم‌گیری مشخص می‌شود. حل این درخت تصمیم‌گیری براساس مقایسات زوجی است که طبق آن تمام سطوح درخت نسبت به لایه بالایی سنجیده می‌شوند (رسولی‌نژاد، ۱۳۸۶: ۱۴۶). از آنجاکه بحث پیوستن به مجامع بین‌المللی با توجه به قیود و محدودیت‌ها در حوزه تصمیم‌گیری قرار دارد؛ از این ابزار تحقیق

1. Analytic Hierarchy Process (AHP)

استفاده شده است. از آنجاکه درک پدیده‌ها و مسائل بزرگ پیچیده برای ذهن انسان مشکل‌آفرین است، تجزیه یک مسئله بزرگ به عناصر جزئی آن (با استفاده از یک ساختار رده‌ای) می‌تواند به درک انسان کمک کند. در این روش، ارتباط هر عنصر با سایر عناصر باید در ساختار رده‌ای و در سطوح مختلف مشخص شود و ارتباط هدف اصلی موجود از مسئله با پایین‌ترین رده موجود از سلسله‌مراتب تشکیل شده دقیقاً روشن شده باشد.

۴. یافته‌های پژوهش

در این قسمت یافته‌های پژوهش ارائه می‌شود که شامل چندین گام می‌شود:

گام اول: شناسایی مسئله تصمیم‌گیری

استخراج گروه و زیرگروه‌های عوامل مؤثر بر ارجحیت نهاد اقتصادی برای دستیابی به مهمترین شاخص‌های ارزیابی پیوستن به یک نهاد اقتصادی فراملی، ابتدا شاخص‌های جامع که از مطالعه منابع مختلف خارجی همچون روکرافت^۱ (۲۰۰۳)، مالگانووا و زاگلادینا^۲ (۲۰۱۵)، محقق^۳ (۲۰۱۶) و پاناسوک^۴ (۲۰۱۸) و منابع مختلف داخلی همچون شفیعی (۱۳۸۵)، کولایی و سازمند (۱۳۹۰)، گودرزی (۱۳۹۳)، فاطمی‌نژاد و هاشمی (۱۳۹۵) و کوشکی و حسینی (۱۳۹۶) بررسی شده و سپس گروه عوامل و زیربخش (معیارهای آنها با استفاده از دیدگاه خبرگان گزینش شده‌اند (جدول ۵)). همچنین می‌بایست به این مسئله اشاره شود که یکی از پیش‌فرض‌های بنیادین در روش فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی، قابلیت مقایسه‌پذیری عوامل و معیارهاست. برای اطمینان از درستی انتخاب گروه‌ها و معیارها از دو روش سنجش روایی محتوا^۵ و تحلیل محیطی^۶ استفاده کردیم. در روش اول، از طریق خبرگان جویای این

-
1. Rycroft
 2. Malganova and Zagladina
 3. Mohaghegh
 4. Panasyuk
 5. Content Validity
 6. Environmental Analysis

امر شدیم که گروه و معیارهای انتخابی تا چه اندازه محتوای پدیده مورد بررسی و ارزش‌های بخش‌های گوناگون آن را نشان می‌دهند که روایی آنها با نظر خبرگان مورد تأیید قرار گرفت. همچنین به‌عنوان تأیید روش اول، گروه‌های انتخاب شده از منظر تحلیل محیطی مبتنی بر Political, Economic, Social, Technological (PEST) مورد سنجش قرار گرفت که نتیجه نشان از همپوشانی بالای گروه‌های انتخاب شده و تحلیل محیطی PEST داشت.

جدول ۵. گروه و معیارهای پیوستن به یک مجمع اقتصادی بین‌المللی

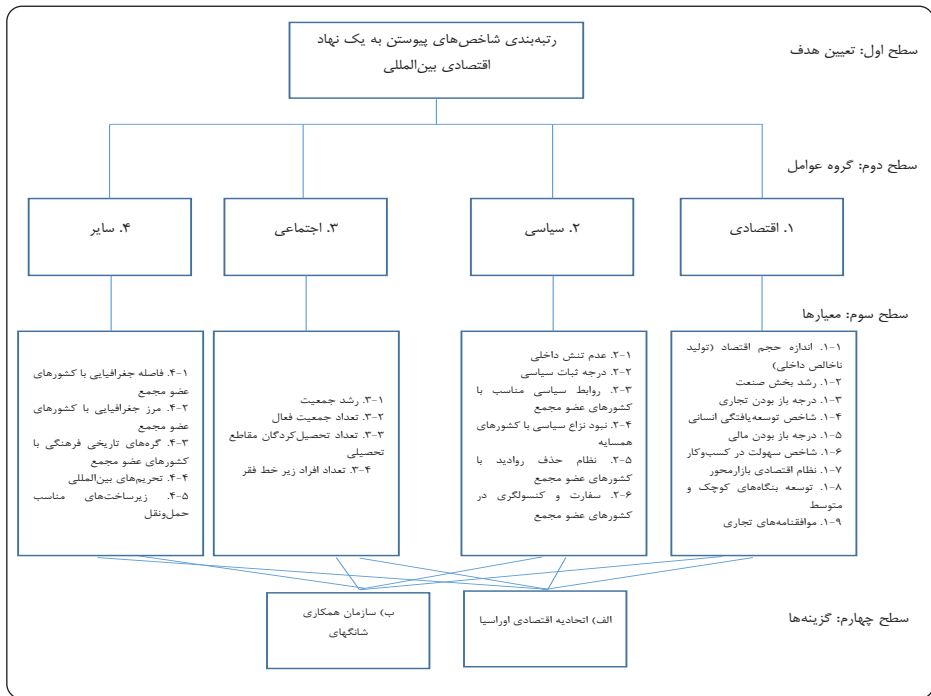
معیارها	گروه
۱-۱. اندازه حجم اقتصاد (تولید ناخالص داخلی) ۱-۲. رشد بخش صنعت ۱-۳. درجه باز بودن تجاری ۱-۴. شاخص توسعه یافتگی انسانی ۱-۵. درجه باز بودن مالی ۱-۶. شاخص سهولت در کسب و کار ۱-۷. نظام اقتصادی بازارمحور ۱-۸. توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط ۱-۹. موافقتنامه‌های تجاری	۱. گروه اقتصادی
۲-۱. عدم تنش داخلی ۲-۲. درجه ثبات سیاسی ۲-۳. روابط سیاسی مناسب با کشورهای عضو مجمع ۲-۴. عدم نزاع سیاسی با کشورهای همسایه ۲-۵. نظام حذف روادید با کشورهای عضو مجمع ۲-۶. سفارت و کنسولگری در کشورهای عضو مجمع	۲. گروه سیاسی
۳-۱. رشد جمعیت ۳-۲. تعداد جمعیت فعال ۳-۳. تعداد تحصیل‌کردگان مقاطع تحصیلی ۳-۴. تعداد افراد زیر خط فقر	۳. گروه اجتماعی
۴-۱. فاصله جغرافیایی با کشورهای عضو مجمع ۴-۲. مرز جغرافیایی با کشورهای عضو مجمع ۴-۳. گره‌های تاریخی فرهنگی با کشورهای عضو مجمع ۴-۴. تحریم‌های بین‌المللی ۴-۵. زیرساخت‌های مناسب حمل و نقل	۴. سایر عوامل

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

گام دوم: طراحی درخت سلسله‌مراتبی

در این مرحله مسئله اصلی تعریف شده و هدف از تصمیم‌گیری به صورت سلسله‌مراتبی از گروه و معیارهای تشکیل دهنده تصمیم ترسیم می‌شود. روش فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی نیازمند شکستن مسئله اصلی تصمیم به سلسله‌مراتبی از سطوح تشکیل دهنده است. بر این اساس از درخت تصمیم استفاده می‌شود که از چهار سطح تشکیل شده است: سطح اول شامل هدف کلی از تصمیم‌گیری است. سطح دوم گروه‌های دخیل در تصمیم‌گیری هستند. سطح سوم معیارهای هر گروه قرار داشته و در آخرین سطح نیز گزینه‌های تصمیم که در این تحقیق دو آترناتیو سازمان همکاری شانگهای و اتحادیه اقتصادی اوراسیا هستند، مطرح می‌شوند. شکل ۱ نشان‌دهنده ساختار سلسله‌مراتبی اولویت‌بندی شاخص‌های تصمیم‌گیری در مورد انتخاب همکاری بیشتر با مجامع اقتصادی بین‌المللی است.

شکل ۱. درخت سلسله‌مراتبی اولویت‌بندی شاخص‌های انتخاب یک نهاد اقتصادی بین‌المللی



گام سوم: انجام مقایسات زوجی گروه و عوامل

در این گام، خبرگان که ۱۰ نفر بودند مقایسه‌هایی را بین گروه‌ها و معیارهای تصمیم‌گیری انجام داده و امتیاز یا ارجحیت آنها را نسبت به یکدیگر تعیین می‌کنند. این مقایسه‌ها براساس جدول مقایسات زوجی توماس ال. ساعتی انجام می‌شود (جدول ۶). ارجحیت یک گزینه یا معیار نسبت به خودش مساوی یک است، بنابراین اصل معکوس بودن یک عامل نسبت به دیگری و ارجحیت یک برای یک عامل یا گزینه نسبت به خودش، دو خاصیت اصلی ماتریس مقایسه زوجی در روش تحلیل فرایند سلسله‌مراتبی است.

جدول ۶. مقایسات زوجی توماس ال. ساعتی

امتیاز	تعریف	توضیح
۱	اهمیت مساوی	دو گروه یا معیار اهمیت مساوی دارند
۳	اهمیت اندکی بیشتر	اهمیت یک گروه یا یک معیار اندکی بیشتر از گروه یا معیار دیگر است
۵	اهمیت بیشتر	اهمیت یک گروه یا یک معیار بیشتر از گروه یا معیار دیگر است
۷	اهمیت خیلی بیشتر	اهمیت یک گروه یا یک معیار خیلی بیشتر از گروه یا معیار دیگر است
۹	اهمیت مطلق	اهمیت خیلی بیشتر یک گروه یا معیار نسبت به گروه یا معیار دیگر به‌طور قطع به اثبات رسیده است
۲، ۴، ۶، ۸	ترجیحات بینابین	هنگامی که حالت میانه در امتیازات قبل وجود دارد

مأخذ: جیل عاملی و رسولی‌نژاد، ۱۳۹۰.

جدول ۷ نشان‌دهنده اهمیت نسبی چهار گروه اصلی اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و سایر است. گفتنی است نرخ سازگاری مقایسه زوجی این معیارها ۰/۰۱ بوده که نشان‌دهنده دقت قابل قبول این مقایسه زوجی توسط خبرگان است.

جدول ۷. مقایسات زوجی سطح دو: گروه عوامل

گروه عوامل	اقتصادی	سیاسی	اجتماعی	سایر
اقتصادی	۱	۱/۲	۵	۳
سیاسی	۲	۱	۶	۴
اجتماعی	۱/۵	۱/۶	۱	۱/۲
سایر	۱/۳	۱/۴	۲	۱

مأخذ: یافته‌های تحقیق از خروجی نرم افزار Expert Choice.

پس از انجام مقایسات زوجی گروه عوامل، سطح سوم درخت سلسله‌مراتبی یعنی معیارهای مربوط به هر گروه توسط خبرگان منتخب در این تحقیق به صورت دوجه دوم مقایسه می‌شوند. جداول مربوط به زیرمعیارهای گروه عوامل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و سایر عوامل در جدول زیر قابل مشاهده است.

جدول ۸. مقایسات زوجی معیارهای گروه اقتصادی

معیارهای اقتصادی	۱-۱. اندازه حجم اقتصاد (تولید ناخالص داخلی)	۱-۲. رشد بخش صنعت	۱-۳. درجه باز بودن تجاری	۱-۴. توسعه یافتگی انسانی	۱-۵. درجه باز بودن مالی	۱-۶. شاخص سهولت در کسب و کار	۱-۷. نظام اقتصادی بازار محور	۱-۸. توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط	۱-۹. موافقتنامه‌های تجاری
۱-۱. اندازه حجم اقتصاد (تولید ناخالص داخلی)	۱	۳	۲	۴	۲	۵	۳	۲	۵
۱-۲. رشد بخش صنعت	۱/۳	۱	۲	۳	۲	۳	۲	۲	۴
۱-۳. درجه باز بودن تجاری	۱/۲	۱/۲	۱	۳	۴	۲	۱	۲	۵
۱-۴. توسعه یافتگی انسانی	۱/۴	۱/۳	۱/۳	۱	۴	۲	۱/۲	۱/۳	۳
۱-۵. درجه باز بودن مالی	۱/۲	۱/۲	۱/۴	۱/۴	۱	۱/۴	۱	۱/۲	۵
۱-۶. شاخص سهولت در کسب و کار	۱/۵	۱/۳	۱/۲	۱/۲	۴	۱	۱	۱/۲	۴
۱-۷. نظام اقتصادی بازار محور	۱/۳	۱/۲	۱	۲	۱	۱	۱	۱/۳	۴
۱-۸. توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط	۱/۲	۱/۲	۱/۲	۳	۲	۲	۳	۱	۴
۱-۹. موافقتنامه‌های تجاری	۱/۵	۱/۴	۱/۵	۱/۳	۱/۵	۱/۴	۱/۴	۱/۴	۱

مأخذ: همان.

جدول ۹. مقایسات زوجی معیارهای گروه سیاسی

معیارهای سیاسی	۲-۱. عدم تنش داخلی	۲-۲. درجه ثبات سیاسی	۲-۳. روابط سیاسی مناسب با کشورهای عضو مجمع	۲-۴. عدم نزاع سیاسی با همسایه	۲-۵. نظام حذف روایت و کنسولگری در کشورهای عضو مجمع	۲-۶. سفارت و کنسولگری در کشورهای عضو مجمع
۲-۱. عدم تنش داخلی	۱	۴	۳	۳	۵	۴
۲-۲. درجه ثبات سیاسی	۱/۴	۱	۲	۱/۴	۱/۲	۳
۲-۳. روابط سیاسی مناسب با کشورهای عضو مجمع	۱/۳	۱/۲	۱	۱	۳	۲
۲-۴. عدم نزاع سیاسی با کشورهای همسایه	۱/۳	۴	۱	۱	۱/۵	۱/۳
۲-۵. نظام حذف روایت با کشورهای عضو مجمع	۱/۵	۲	۱/۳	۵	۱	۱/۲
۲-۶. سفارت و کنسولگری در کشورهای عضو مجمع	۱/۴	۱/۳	۱/۲	۳	۲	۱

مأخذ: همان.

جدول ۱۰. مقایسات زوجی معیارهای گروه اجتماعی

معیارهای اجتماعی	۳-۱. رشد جمعیت	۳-۲. تعداد جمعیت فعال	۳-۳. تعداد تحصیل کردگان مقاطع تحصیلی	۳-۴. تعداد افراد زیر خط فقر
۳-۱. رشد جمعیت	۱	۱/۳	۱/۲	۳
۳-۲. تعداد جمعیت فعال	۳	۱	۱	۱/۳
۳-۳. تعداد تحصیل کردگان مقاطع تحصیلی	۲	۱	۱	۱/۲
۳-۴. تعداد افراد زیر خط فقر	۱/۳	۳	۲	۱

مأخذ: همان.

جدول ۱۱. مقایسات زوجی معیارهای گروه سایر

گروه سایر	۴-۱. فاصله جغرافیایی با کشورهای عضو مجمع	۴-۲. مرز جغرافیایی با کشورهای عضو مجمع	۴-۳. گره‌های تاریخی فرهنگی با کشورهای عضو مجمع	۴-۴. تحریم‌های بین‌المللی	۴-۵. زیرساخت‌های مناسب حمل و نقل
۴-۱. فاصله جغرافیایی با کشورهای عضو مجمع	۱	۱/۲	۳	۱/۵	۱/۳
۴-۲. مرز جغرافیایی با کشورهای عضو مجمع	۲	۱	۲	۱/۴	۱/۲
۴-۳. گره‌های تاریخی فرهنگی با کشورهای عضو مجمع	۱/۳	۱/۲	۱	۱/۶	۱/۳
۴-۴. تحریم‌های بین‌المللی	۵	۴	۶	۱	۲
۴-۵. زیرساخت‌های مناسب حمل و نقل	۳	۲	۳	۱/۲	۱

مأخذ: همان.

گام چهارم: محاسبه وزن نسبی گروه و معیارها

پس از انجام مقایسات زوجی، گام بعدی محاسبه وزن نسبی از طریق روش بردار ویژه و میانگین هندسی است. از این رو ابتدا میانگین هندسی سطرهای ماتریس گروه و معیارهای مختلف را به دست آورده و سپس آنها را نرمال می‌کنیم. گفتنی است برای به دست آوردن وزن‌های نرمال شده، ابتدا مقادیر متوسط هندسی ۴ چهار گروه عوامل را جمع کرده و سپس متوسط هندسی را بر مجموع به دست آمده تقسیم می‌کنیم. نتیجه به‌گونه‌ای است که جمع وزن‌های نرمال شده برابر با یک خواهد بود.

جدول ۱۲. وزن نسبی گروه عوامل

گروه	متوسط هندسی	وزن‌های نرمال شده
۱. عوامل اقتصادی	۱/۶۵۷	۰/۳۱۵
۲. عوامل سیاسی	۲/۴۴۹	۰/۴۶۶
۳. عوامل اجتماعی	۰/۵۰۸	۰/۰۹۶
۴. سایر عوامل	۰/۶۳۸	۰/۱۲۱

مأخذ: همان.

چنان‌که مشاهده می‌شود، از بین چهار گروه منتخب، گروه دوم (عوامل سیاسی) با درجه اهمیت ۰/۴۶۶ مهم‌ترین گروه در اولویت‌بخشی به انتخاب از بین اتحادیه اقتصادی اوراسیا و سازمان همکاری شانگهای است. در رتبه دوم، گروه عوامل اقتصادی با وزن ۰/۳۱۵ قرار دارد و رتبه آخر براساس وزن ۰/۰۹۶ به عوامل اجتماعی اختصاص یافته است.

متوسط هندسی و وزن‌های نرمال شده معیارهای هر گروه نیز به صورت بالا محاسبه می‌شود. جداول مربوط به معیارهای هر گروه به صورت زیر است.

جدول ۱۳. وزن نسبی گروه عوامل اقتصادی

وزن‌های نرمال شده	متوسط هندسی	معیارهای اقتصادی
۰/۲۴۵	۲/۶۵۶	۱-۱. اندازه حجم اقتصاد (تولید ناخالص داخلی)
۰/۱۶۴	۱/۷۸۳	۱-۲. رشد بخش صنعت
۰/۱۴۴	۱/۵۶۸	۱-۳. درجه باز بودن تجاری
۰/۰۷۸	۰/۸۴۷	۱-۴. شاخص توسعه یافتگی انسانی
۰/۰۵۵	۰/۶۰۰	۱-۵. درجه باز بودن مالی
۰/۰۷۳	۰/۸۰۱	۱-۶. شاخص سهولت در کسب و کار
۰/۰۸۴	۰/۹۱۴	۱-۷. نظام اقتصادی بازارمحور
۰/۱۲۶	۱/۳۷۴	۱-۸. توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط
۰/۰۲	۰/۲۸۳	۱-۹. موافقتنامه‌های تجاری

مأخذ: همان.

طبق وزن‌های نرمال شده مشخص است که میزان تولید ناخالص داخلی، رشد بخش صنعت و درجه باز بودن تجاری سه معیار مهم گروه اقتصادی بوده‌اند.

جدول ۱۴. وزن نسبی گروه عوامل سیاسی

وزن‌های نرمال شده	متوسط هندسی	معیارهای سیاسی
۰/۴۲۳	۲/۹۸۰	۲-۱. عدم تنش داخلی
۰/۱۰۷	۰/۷۵۷	۲-۲. درجه ثبات سیاسی
۰/۱۴۲	۱	۲-۳. روابط سیاسی مناسب با کشورهای عضو مجمع
۰/۰۹۵	۰/۶۶۹	۲-۴. عدم نزاع سیاسی با کشورهای همسایه
۰/۱۱۸	۰/۸۳۳	۲-۵. نظام حذف روادید با کشورهای عضو مجمع
۰/۱۱۲	۰/۷۹۴	۲-۶. سفارت و کنسولگری در کشورهای عضو مجمع

مأخذ: همان.

مشاهده می‌شود که عدم تنش داخلی و روابط سیاسی مناسب با کشورهای عضو با اوزان ۰/۴۲۳ و ۰/۱۴۲ دو معیار مهم عوامل سیاسی به حساب آمده و عدم نزاع سیاسی با کشورهای همسایه با وزن ۰/۰۹۵ کم‌اهمیت‌ترین معیار در این گروه بوده است.

جدول ۱۵. وزن نسبی گروه عوامل اجتماعی

وزن‌های نرمال شده	متوسط هندسی	معیارهای اجتماعی
۰/۲۰۸	۰/۸۴۰	۳-۱. رشد جمعیت
۰/۲۴۸	۱	۳-۲. تعداد جمعیت فعال
۰/۲۴۸	۱	۳-۳. تعداد تحصیل‌کردگان مقاطع تحصیلی
۰/۲۹۵	۱/۱۸۹	۳-۴. تعداد افراد زیر خط فقر

مأخذ: همان.

براساس نظر خبرگان و وزن‌های نهایی به دست آمده، در گروه عوامل اجتماعی معیار افراد زیر خط فقر با وزن ۰/۲۹۵ مهم‌ترین معیار و رشد جمعیت با وزن ۰/۲۰۸ کم‌اهمیت‌ترین معیار به حساب می‌آید.

جدول ۱۶. وزن نسبی گروه سایر عوامل

وزن‌های نرمال شده	متوسط هندسی	معیارهای سایر عوامل
۰/۱۲۹	۰/۶۳۰	۴-۱. فاصله جغرافیایی با کشورهای عضو مجمع
۰/۱۷۸	۰/۸۷۰	۴-۲. مرز جغرافیایی با کشورهای عضو مجمع
۰/۲۰۴	۰/۳۹۲	۴-۳. گره‌های تاریخی فرهنگی با کشورهای عضو مجمع
۰/۶۱۲	۲/۹۹۲	۴-۴. تحریم‌های بین‌المللی
۰/۳۱۷	۱/۵۵۱	۴-۵. زیرساخت‌های مناسب حمل‌ونقل

مأخذ: همان.

در مورد معیارهای گروه سایر عوامل، تحریم‌های بین‌المللی با وزن ۰/۶۱۲ مهم‌ترین معیار در این گروه و فاصله جغرافیایی با کشورهای عضو مجمع با وزن ۰/۱۲۹ کم‌اهمیت‌ترین معیار به حساب می‌آید.

گام پنجم: محاسبه وزن نسبی گزینه‌ها (آلترناتیوها)

گام پس از تعیین وزن نسبی گروه و معیارها، برای تعیین وزن نسبی گزینه‌ها (اتحادیه اقتصادی اوراسیا و سازمان همکاری شانگهای)، ابتدا امتیازات اولیه برای دو آلترناتیو توسط خبرگان به صورت طیفی در بازه بسیار نامطلوب (عدد ۱) تا بسیار مطلوب (عدد ۵) تعیین شد. سپس هر یک از امتیازات داده شده به روش مجموع ستونی نرمال و در نهایت وزن نسبی آنها محاسبه شد.

گام ششم: وزن نهایی گزینه‌ها (آلترناتیوها)

در روش فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی وزن نهایی آلترناتیوها از مجموع حاصل ضرب اهمیت معیارها در وزن گزینه‌ها به دست می‌آید. بر این اساس از اصل ترکیب سلسله‌مراتبی که ایجاد یک بردار اولویت می‌کند، جدول زیر استفاده می‌شود.

جدول ۱۷. رتبه‌بندی نهایی گزینه‌ها

رتبه	وزن نهایی	گزینه
۱	۰/۰۱۷۲۴	اتحادیه اقتصادی اوراسیا
۲	۰/۰۱۲۹۱	سازمان همکاری شانگهای

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

بر اساس نتایج به دست آمده گزینه پیوستن به اتحادیه اقتصادی اوراسیا با توجه به گروه و معیارهای انتخاب شده، اولویت بهتری نسبت به پیوستن به سازمان همکاری شانگهای دارد. ایران می‌تواند با عضویت در اتحادیه اقتصادی اوراسیا در زمینه انتقال انرژی و سوآپ نفتی همکاری گسترده‌ای با این اتحادیه در جهت کاهش تحریم‌های اقتصادی علیه خود داشته باشد. این تهدید برای ایران وجود دارد که در پی عضویت در اتحادیه اقتصادی اوراسیا نه تنها رشد اقتصادی را تجربه نکند، بلکه با بحران اقتصادی بزرگتری نیز مواجه شود. این فرصت برای کشور وجود دارد تا در پی اشتراکات فرهنگی و تاریخی و استفاده از ظرفیت‌های موجود برای مبادلات کالا سهم خود در بازارهای کشورهای عضو را افزایش داده و بالتبع از فشار تحریم‌ها بکاهد. ایران با عضویت در اتحادیه‌ای که روسیه در آن نقش محوری دارد، می‌تواند نفوذ منطقه‌ای خود را گسترش دهد. در مورد عضویت در سازمان همکاری شانگهای نیز می‌توان گفت عضویت در این سازمان نه تنها به نفع ایران است، بلکه با پتانسیل عظیم ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک خود می‌تواند در قدرتمندسازی سازمان همکاری شانگهای تأثیر بسزایی داشته باشد. در کل سازمان همکاری شانگهای فرصتی ایدئال برای ما محسوب می‌شود و با توجه به موانع و تهدیداتی که بر سر راه عضویت ایران از جمله

فشار غرب و تحریم‌ها در این سازمان وجود دارد، مقامات کشور باید تلاش خود را در رفع این موانع به‌کارگیرند.

گام هفتم: بررسی پایایی نتایج

پس از انجام مقایسات زوجی و استخراج اوزان نهایی گروه‌ها و معیارها، پایایی^۱ نتایج از طریق محاسبه نرخ ناسازگاری محاسبه می‌شود. محاسبه این شاخص به این صورت است که اگر n معیار به صورت C_1, C_2, \dots, C_n داشته باشیم، ماتریس مقایسات زوجی آنها به صورت ذیل است:

$$A = [a_{ij}] \quad i, j = 1, 2, \dots, n$$

در ماتریس فوق، a_{ij} ترجیح معیار C_i بر C_j است. اگر در این ماتریس داشته باشیم:

$$a_{ik} * a_{kj} = a_{ij} \quad i, j, k = 1, 2, \dots, n$$

آنگاه ماتریس A سازگار است و خصوصیات زیر را خواهد داشت:

(الف) مقدار وزن عناصر برابر مقدار نرمالیزه هر عنصر است.

(ب) مقدار ویژه برابر طول ماتریس است ($AW = nW$).

(ج) مقدار ناسازگاری در این ماتریس صفر است.

با در نظر گرفتن λ به عنوان مقدار ویژه ماتریس A و بزرگترین مقدار ویژه به صورت λ_{max} می‌توان گفت در وضعیتی که ماتریس A ناسازگار باشد λW کمی از n فاصله می‌گیرد بنابراین خواهیم داشت:

$$A * W = \lambda_{max} * W$$

$$\lambda_{max} - n$$

بنابراین چنانچه ماتریس از حالت سازگاری فاصله بگیرد λ_{max} از n فاصله می‌گیرد.

از این رو تفاضل این دو معیار خوبی جهت سنجش ناسازگاری ماتریس است. به‌طور کلی با

$$II = \frac{\lambda_{max} - n}{n - 1}$$

تعریف شاخص ناسازگاری^۱ خواهیم داشت:

در روش تحلیل فرایند سلسله‌مراتبی، نرخ ناسازگاری^۲ از تقسیم شاخص ناسازگاری بر شاخص تصادفی به دست می‌آید که شاخص تصادفی براساس جدول زیر استخراج می‌شود.

جدول ۱۸. مقادیر شاخص تصادفی جهت محاسبه نرخ ناسازگاری

مقدار n	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
شاخص تصادفی	۰	۰/۵۸	۰/۹	۱/۱۲	۱/۱	۱/۳۲	۱/۴۱	۱/۴۵	۱/۴۹	۱/۵۱	۱/۴۸	۱/۵۶	۱/۵۷

مأخذ: قدسی‌پور، ۱۳۸۸: ۷۳.

در صورتی که نرخ سازگاری برابر ۰/۱ یا کمتر از آن باشد، بیانگر سازگاری در مقایسات است و اعتبار پاسخ‌دهنده‌ها تأیید می‌شود (دلبری و داودی، ۱۳۹۱). در تحلیل حاضر روند محاسبه اعتبار و پایایی نتایج (بررسی نرخ سازگاری) از طریق نرم‌افزار Expert Choice انجام شده است و تمامی ماتریس‌ها دارای نرخ کمتر از ۰/۱ هستند. نرخ ناسازگاری کل نیز با استفاده از همین نرم‌افزار انجام و برابر با ۴۰ است که نشان می‌دهد پایایی نتایج قابل تأیید است.

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

چندجانبه‌گرایی نقش مهمی را در سیاست خارجی کشور به‌خصوص در زمینه گسترش روابط اقتصادی ایفا می‌کند. گسترش روابط اقتصادی با مجموعه‌ای از کشورها زمینه افزایش فرصت‌های استفاده از بازارهای مختلف اقتصادی همچون بازار کالاها و خدمات، بازار نیروی کار و بازار مالی را ایجاد کرده و از طرفی ظرفیت رفع کاستی‌های اقتصاد داخلی

1. Inconsistency Index (II)

2. Inconsistency Ration (IR)

را با کمک مزیت‌های نسبی سایر کشورها افزایش می‌دهد. این مسئله در مورد ایران که در سال‌های اخیر تحت تحریم‌های ناعادلانه اردوگاه غرب قرار گرفته از اهمیت بیشتری برخوردار است. بنابراین سیاست چندجانبه‌گرایی در تجارت خارجی کشورمان به خصوص با نگاه ویژه به مجامع اقتصادی منطقه‌ای می‌بایست مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد. با توجه به اهمیت دو سازمان همکاری شانگهای و اتحادیه اقتصادی اوراسیا برای ایران مسئله ارجحیت پیوستن و همکاری بیشتر با هر یک از این دو مجمع اقتصادی در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفت. در این راستا با استفاده از روش فرایند تحلیل سلسله‌مراتب به تجزیه و تحلیل نظر ۱۰ خبره با استفاده از نرم‌افزار اکسپرت چویز پرداخته شد که نتایج به دست آمده به شرح زیر است:

۱. عوامل سیاسی مهمترین عوامل دخیل در انتخاب یکی از این دو مجمع اقتصادی منطقه‌ای است. بعد از عوامل سیاسی، عوامل اقتصادی در رتبه دوم قرار گرفته‌اند. مشخص است که هدف و ذات بسیاری از مجامع اقتصادی منطقه‌ای از جمله اتحادیه اقتصادی اوراسیا و سازمان همکاری شانگهای مسائل سیاسی است تا اقتصادی و اجتماعی. از این رو پیشنهاد می‌شود که خط‌مشی‌گذاران در مسئله چندجانبه‌گرایی تجارت خارجی کشور به مسئله بهبود عوامل سیاسی توجه لازم را داشته باشند.

۲. از بین معیارهای گروه عوامل سیاسی، عدم تنش داخلی میان اعضای مجمع و همچنین ثبات سیاسی اعضا رتبه‌های اول و دوم را از لحاظ اهمیت کسب کرده‌اند. اختلافات سیاسی میان اعضای یک مجمع اقتصادی همچون شرایط انگلستان در اتحادیه اروپا، از کارایی مجمع به شدت می‌کاهد. همچنین ورود به مجمعی که برخی از اعضای آن دارای درجه ثبات سیاسی کمتری هستند ریسک عملیاتی مجمع را افزایش می‌دهد. برای مثال عضویت جدید دو کشور پاکستان و هند که دارای تنش سیاسی در منطقه کشمیر هستند در سازمان همکاری شانگهای از کارایی عملکرد این سازمان در حوزه روابط اقتصادی و سیاسی خواهد کاست که این موارد می‌بایست مورد توجه مدیران سطح بالای کشور قرار گیرد.

۳. از میان معیارهای گروه عوامل اقتصادی، اندازه حجم اقتصاد و رشد بخش صنعت

کشورهای عضو مجمع جز مهمترین معیارها مشخص شده‌اند. در مورد اندازه حجم اقتصاد یا به عبارتی تولید ناخالص داخلی می‌توان به نظریه جاذبه تجارت ارائه شده توسط جان تینبرگن در سال ۱۹۶۲ میلادی اشاره کرد که براساس آن روابط تجاری میان دو کشور رابطه مستقیم با اندازه اقتصاد آنها دارد. مجمع اقتصادی که اعضایش از لحاظ اقتصادی بزرگتر باشند برای کشورمان از اهمیت بیشتری برخوردار خواهد بود. همچنین رشد بخش صنعت کشورهای عضو می‌تواند عنصری مهم برای توسعه بخش صنعت کشور و رفع نیاز واردات کالاهای صنعتی از کشورهای تحریم‌کننده یا تحت اثر از تحریم‌ها باشد.

۴. براساس یافته‌های تحقیق مشخص شد که هرچه تعداد افراد زیر خط فقر کشورهای عضو یک مجمع کمتر باشد از لحاظ اجتماعی در وضعیت بهتری از لحاظ اخلاق کسب و کار و اخلاق اقتصادی قرار دارند که این مسئله برای کشور می‌تواند مفید باشد.

۵. تحریم‌های بین‌المللی و زیرساخت‌های حمل و نقل دو معیار از گروه سایر عوامل است که به نظر خبرگان نسبت به سایر معیارها از ارجحیت بالاتری برخوردار هستند. از یک سو تحریم‌های بین‌المللی مانع بزرگی در پذیرفتن کشورهای عضو یک مجمع به عضویت دائم کشور ایران است و از سویی عدم زیرساخت‌های مناسب حمل و نقل می‌تواند مانع بزرگی در استفاده حداکثری ایران از ظرفیت‌های یک مجمع اقتصادی شود.

۶. با توجه به چهار گروه ارزیابی شده و معیارهای هر گروه توسط خبرگان؛ مشخص شد که توسعه همکاری و تلاش برای پیوستن به اتحادیه اقتصادی اوراسیا می‌بایست در ارجحیت بیشتر نسبت به سازمان همکاری شانگهای قرار گیرد. مرز آبی و خاکی با کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا و گره‌های تاریخی - فرهنگی با آنها از مواردی است که موجب پرنگ‌تر شدن این اتحادیه نسبت به سازمان همکاری شانگهای می‌شود. همچنین باید به این مسئله اشاره شود که ریشه تأسیس سازمان همکاری شانگهای (امضای «پیمان تعمیق اعتماد نظامی در مناطق مرزی» در ۲۶ آوریل سال ۱۹۹۶) در ارتباط با حوزه امنیت بوده است. اما ریشه ظهور اتحادیه اقتصادی اوراسیا، سیالیت آزاد نیروی کار، کالا و سرمایه میان اعضای این اتحادیه است. بنابراین از لحاظ اقتصادی، کارکرد اتحادیه اقتصادی اوراسیا برای اقتصاد ملی ایران بیشتر از سازمان همکاری شانگهای خواهد بود.

برای پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود که تعداد نفرات خبرگان پرسش‌شونده تحقیق افزایش یابد. همچنین استفاده از روش‌هایی همچون فازی و تحلیل فرایند شبکه‌ای توصیه می‌شود. سنجش کارایی اتحادیه اقتصادی اوراسیا از زمان پیدایش تاکنون نیز به‌عنوان تحقیق مکمل پیشنهاد می‌شود.

منابع و مآخذ

۱. امیدی، علی (۱۳۸۵). «تأثیر ژئوپلیتیک در رخوت همگرایی اکو و بالندگی آسه آن»، ژئوپلیتیک، سال ۲، ش ۱.
۲. برزگر، کیهان (۱۳۸۸). «منطقه‌گرایی در سیاست خارجی ایران»، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، ۲(۵).
۳. بزرگی، وحید و میرعبدالله حسینی (۱۳۸۹). «سازمان همکاری شانگهای: تحولات گذشته و چشم‌انداز آینده»، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، ۳(۷).
۴. پوراحمدی، حسین (۱۳۸۷). «اقتصاد سیاسی هژمونی چندجانبه‌گرا: سنتز مفهوم هژمونی در پارادایم‌های لیبرالیستی و گرامیشین»، پژوهشنامه علوم سیاسی، ۳(۲).
۵. حاجی‌یوسفی، امیرمحمد و مرضیه‌سادات الوند (۱۳۸۷). «ایران و سازمان همکاری شانگهای: هژمونی و ضد هژمونی»، پژوهشنامه علوم سیاسی، ۳(۲).
۶. جبل‌عاملی، فرخنده و احسان رسولی‌نژاد (۱۳۹۰). به‌کارگیری مدل تلفیق تحلیل پوششی داده‌ها و برنامه‌ریزی سلسله‌مراتبی (DEA-AHP) در رتبه‌بندی شعب بانکی: مطالعه موردی بانک صادرات در شهر تهران»، پژوهشنامه اقتصاد، ۱۱(۳).
۷. دلبری، سیدعلی و سیدعلیرضا داودی (۱۳۹۱). «کاربرد تکنیک فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی در رتبه‌بندی شاخص‌های ارزیابی جاذبه‌های توریستی»، *مجله تحقیق در عملیات و کاربردهای آن*، ۹(۲).
۸. دهشیری، محمدرضا و محسن رضایی جعفری (۱۳۹۳). «نومنته‌گرایی در سیاست خارجی ایران»، فصلنامه سیاست جهانی، ۲(۳).
۹. دهقانی فیروزآبادی، جلال (۱۳۸۸). «تحول نظریه‌های منطقه‌گرایی»، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، ۳(۷).
۱۰. رسولی‌نژاد، احسان (۱۳۸۶). «عوامل مؤثر بر به‌کارگیری پول الکترونیکی: مطالعات موردی بانک صادرات»، فصلنامه اقتصاد و تجارت نوین، ۱۱-۱۰.
۱۱. سلیمان‌پور، هادی و مرتضی دامن‌پاک جامی (۱۳۸۸). «نقش چندجانبه‌گرایی و ترتیب‌های تجاری منطقه‌ای در پیشبرد دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران»، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، ۲(۳).
۱۲. شفیع‌ی، نوذر (۱۳۸۵). «سازمان همکاری شانگهای و نسل سوم منطقه‌گرایی در آسیا»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، ۱۵(۵۳).
۱۳. فاطمی‌نژاد، سیداحمد و محمدرضا هاشمی (۱۳۹۵). «منطقه‌گرایی ایران و آسیای مرکزی در پرتو جهانی شدن: طرحی برای جامعه بین‌الملل منطقه‌ای»، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، ۶(۲۱).

۱۴. قدسی پور، سیدحسن (۱۳۸۸). *فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی*، انتشارات دانشگاه صنعتی امیرکبیر، تهران.
۱۵. کمالی اردکانی، مسعود (۱۳۸۷). «فرصت‌ها و چالش‌های تعامل منطقه‌گرایی و چندجانبه‌گرایی»، *بررسی‌های بازرگانی*، ۶ (۳۲).
۱۶. کوشکی، محمدصادق و سیدمحمود حسینی (۱۳۹۶). «فرصت‌ها و چالش‌های عضویت جمهوری اسلامی ایران در سازمان همکاری شانگهای»، *فصلنامه سیاست*، ۴۷ (۳).
۱۷. کولایی، الهه و بهاره سازمند (۱۳۹۰). «زمینه‌های درون‌نظری و برون‌نظری تحول در نظریه‌های منطقه‌گرایی»، *دوفصلنامه پژوهش سیاست‌نظری*، ۹ سال.
۱۸. گودرزی، مهناز (۱۳۹۳). «جهانی‌شدن و منطقه‌گرایی: تعامل یا تقابل (مطالعه موردی سازمان همکاری شانگهای)»، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، ۲ (۷).
۱۹. محمودی‌کیا، محمد (۱۳۹۷). «منطق و جهان‌نگرش سیاست خارجی دولت روحانی»، *فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی دانشگاه آزاد اسلامی*، ۱۷۸.
۲۰. مصلی‌نژاد، عباس (۱۳۹۳). «چندجانبه‌گرایی نامتوازن در سیاستگذاری تحریم اقتصادی ایران»، *فصلنامه سیاست*، ۴۵ (۳).
۲۱. موسوی، سیدمحمدعلی (۱۳۸۸). «جهانی‌شدن و منطقه‌گرایی: انفکاک یا همگرایی؟»، *فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی*، ۱ (۳).
۲۲. میرفخرایی، سیدحسن (۱۳۹۴). «اتحادیه اقتصادی اوراسیا و الزامات ژئواکونومیک آن برای ایران»، *فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل*، ۸ سال، ش ۳۲.
۲۳. هرستینگ، ادموند (۱۳۸۳). «منطقه‌گرایی، ایران و آسیای مرکزی»، *ترجمه محمدعلی قاسمی*، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ۷ (۳).

24. Aggarwal, Vinod K. and Edward A. Fogarty (2006). "Between Regionalism and Globalization: European Union Interregional Trade Strategies", <http://www.princeton.edu/~smeunier/Between>, (Accessed on 2019/08/23).

25. Collins, B. (2010). Does Regionalism Challenge Globalization or Build Upon It? *E-International Relations Studies*, URL, <http://www.e-ir.info> (Accessed on 2019/08/23).

26. Dastanka A (2017). The Impact of Multilateralism on the Activities of International Organizations: the Theoretical Foundations and Practical Dimension, Minsk, RIVSH, 54-60, In Russian language.
27. Jacks, D.S., Ch. Meissner and D. Novy (2010). "Trade Costs in the First Wave of Globalization", *History*, 47(2).
28. Jilberto, A.E., and A. Mommen (1998). *Regionalization and Globalization in the Modern World Economy: Perspectives on the Third World and Transitional Economies*, London, Routledge.
29. Malganova, I. and H. Zagladina (2015). "Regional Socio-economic Development on the Basis of Scenario Forecasting Method", *Procedia Economics and Finance*, 24.
30. Mansfield E. and E. Solingen (2010). "Regionalism", *Annual Review of Political Science*, 13.
- Mittelman, J.H. (1996). "Rethinking the New Regionalism in the Context of Globalization", *Global Governance*, 2(2).
31. Mohaghegh, A. (2016). "Move Toward Economic Globalization with a Scientist", *Procedia Economics and Finance*, 36.
32. Murray, W.E. (2001). "The Second Wave of Globalisation and Agrarian Change in the Pacific Islands", *Journal of Rural Studies*, 17(2).
33. Panasyuk, M.V. (2018). "Economic Regionalization and Choice of Strategic Development Directions of Municipalities of the Republic of Tatarstan", *Earth and Environmental Science*, 107, doi:10.1088/1755-1315/107/1/012134.
34. Rocroft, R.W. (2003). "Technology-based Globalization Indicators: the Centrality of Innovation Network Data", *Technology in Society*. 25(3).
35. Shakoori, Ali (2016). "Regionalism Versus Centralism: An Analysis of Failure of Regional Planning in Iran", *Journal of Social and Economic Development*, 18.

36. TACC (2018). EAЭС и Иран подписали временное соглашение о зоне свободной торговли. URL: <https://tass.ru/ekonomika/5207751>(08.02.2019).
37. Tsyrenov, Ochir (2012). Regionalization and Regionalism: Definition and Classification, *Vestnik Zabgu*, 9(88), (In Russian language).
38. Valodin, V. M, U.A Kaftulina and U.E Rusakova (2015). "Euroasian Economic Union's Perspectives and Functions and Possibilities of its Expansion", *Social Sciences Economy*,1(33) (In Russian language).
39. Yourtaev V.I. (2009). Iran: Perspective Scenarios of Regional Integration, *Vestnik RUDN*, 3 (In Russian language).
40. Zarif, M.J (2014). "What Iran Really Wants: Iranian Foreign Policy in the Rouhani Era", *Foreign Affairs*, 93(3)